

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست مطالب

- ادبیات امنیت انرژی روسیه و راهبردهای آینده
شهاب‌الدین شکری/ مهدی سنایی ۳
- همگرایی اتحادیه اقتصادی اوراسیا: روندها و پویائی‌ها (۲۰۲۲-۲۰۱۵)
سمیه مختاری/ سید محمدکاظم سجادیپور ۳۵
- دیرینه‌شناسی رویکرد چین به خلیج فارس: از سفرهای چنگ‌ها تا شی جین‌پینگ
ابراهیم آقامحمدی/ مرضیه فتاحی ۶۷
- ایران و بریکس: مهاریک‌جانبه‌گرایی در عصر‌گذار
کامران لطفی ۹۵
- جنگ دوم قره‌باغ و ساختار قدرت در قفقاز جنوبی
احمد رسولی/ دکتر علیرضا سلطانی ۱۲۵
- دیپلماسی انرژی ترکیه: راهبرد توسعه حزب عدالت و توسعه
صیاد صدری علی‌بابالو ۱۵۳
- ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا: فرصت‌های مقابله با تحریم‌ها
محمدصادق غلامی/ بهاره سازمند ۱۷۷
- قدرت هوشمند روسیه و مناقشه رژیم صهیونیستی و فلسطین (۲۰۲۴-۲۰۱۲)
علی اکبرپور آلمه جوقی ۲۰۱
- نظم امنیتی اوراسیا: از ایده تا عمل
عسگر صفری/ سعیده مرادی‌فر ۲۲۹
- موازنه‌سازی چین در آسیای مرکزی: پیش‌ران‌ها و پس‌ران‌ها
محسن جمشیدی/ احمد شوهانی ۲۵۹

نظم امنیتی اوراسیا: از ایده تا عمل

عسگر صفری^۱

سعیده مرادی فر^۲

چکیده

در سال‌های اخیر، فدراسیون روسیه و چین، با توجه به تغییر در تغییر بویایی‌های ژئوپلیتیکی، به دنبال بازطراحی معماری و نظم امنیتی منطقه اوراسیا بوده‌اند. بر همین اساس، سوال اصلی پژوهش حاضر حاکی از آن است که این کشورها چه نوع نظم امنیتی منطقه‌ای برای اوراسیا متصور بوده و این نظم جدید واجد چه ویژگی‌هایی است؟ در پاسخ، پژوهش استدلال دارد؛ روسیه و چین به دنبال ایجاد نظم امنیتی منطقه‌ای ادغام‌محور در منطقه اوراسیا می‌باشند. این نظم ماهیت ضدهرژمون داشته و مبتنی بر اصولی چون توزیع قدرت و مسئولیت، برابری و احترام به حاکمیت و تقسیم ناپذیری امنیت است. ماهیت پژوهش کیفی و فرضیه با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی مورد ارزیابی قرار گرفته است. داده‌ها به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی:

نظم منطقه‌ای، اوراسیا، روسیه، چین، نظم یورو آتلانتیک، نظم ادغام‌محور.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

^۱ پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس و دانش آموخته دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه گیلان، گیلان، جمهوری اسلامی ایران. asgar.safari2017@gmail.com

^۲ دانش آموخته دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران. moradi3005@yahoo.com

مقدمه

در دوران پس از جنگ سرد، دگرگونی روابط بین روسیه و چین نقش مهمی در اهمیت مجدد منطقه اوراسیا، به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم رقابت قدرت‌های بزرگ داشته است. این دگرگونی به حدی است که برخی استدلال داشته‌اند دو کشور از اختلاف‌نظر و رقابت به همکاری و همگرایی نسبی (و درآیند به همگرایی کامل) دست‌یافته‌اند. دیدگاه‌های مختلفی برای این تغییر و تحول بیان شده است. برخی استدلال دارند روسیه سیاست «چرخش به شرق» را دنبال می‌کند که نه تنها به دلیل نیاز عینی به توسعه سرزمین‌های آسیایی خود و پیوستن به مرکز جدید اقتصاد جهانی در منطقه آسیا-اقیانوسیه است، بلکه به دلیل بحران اوکراین از سال ۲۰۱۴ و فشارهای غرب ایجاد شده و روابط روسیه با اروپا را محدود ساخته است. از سوی دیگر، چین اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیکی را در منطقه اوراسیا دنبال می‌کند. از نظر اقتصادی، تمایل و نیاز پکن برای ورود به بازارهای درحال توسعه کشورهای ارواسیا و همچنین دسترسی به منابع طبیعی غنی منطقه حائز اهمیت است. از نظر ژئوپلیتیکی نیز چین در تلاش برای متعادل کردن فشار ایالات‌متحده در منطقه آسیا-اقیانوسیه می‌باشد.

با این وجود، دیدگاه سومی نیز وجود دارد که بیشتر بعد امنیتی را مدنظر داشته و همکاری و همگرایی روسیه و چین در منطقه اوراسیا را تلاشی در جهت مقابله با هژمونی نظم یورو آتلانتیک (با محوریت ناتو) می‌داند. استدلال براین است که منطقه اوراسیا حیات خلوت راهبردی روسیه و چین بوده و این دو کشور تلاش دارند ضمن مقابله با نظم هژمونیک (یوروآتلانتیک) در منطقه اوراسیا، معماری امنیتی آن را تغییر دهند. موضوعی که بارها از سوی مقامات چینی و روسی در قالب نیاز به بازطراحی نظم امنیتی اوراسیا مطرح شده است. بنابراین سوال اصلی پژوهش حاضر حاکی از آن است که روسیه و چین چه نوع نظم امنیتی منطقه‌ای را برای اوراسیا متصور بوده و این نظم امنیتی جدید واجد چه ویژگی‌هایی است؟. در پاسخ به این پرسش، پژوهش تلاش کرده است از طریق بکارگیری روش توصیفی-تحلیلی روند همگرایی و ابتکارات روسیه و چین در منطقه اوراسیا از دهه ۱۹۹۰ و پس از فروپاشی شوروی در جهت تغییر در نظم امنیتی منطقه‌ای و طراحی نظم جدید را مورد ارزیابی قرار دهد.

چارچوب مفهومی (نظم امنیتی منطقه‌ای). یکی از فرضیات جدید در حوزه مطالعات امنیتی شکل‌گیری نظم جدید جهانی است. به عقیده بسیاری مهم‌ترین ویژگی این نظم جدید وجود بازیگران و ساختارهای نهادی متعدد و همچنین نقش فرهنگ‌های مختلف در

تکامل آن است. به عبارت بهتر، این نظم نوظهور جهانی دارای تنوع بوده و چندوجهی است. ویژگی برجسته دیگر این نظم، سهم بیشتر مناطق در شکل‌گیری و پویایی آن است. در واقع در نظم جدید، مناطق فضای بیشتری برای مانور جهت شکل‌دهی و تثبیت نظم نوظهور بین‌المللی خواهند داشت. چراکه سطح منطقه‌ای جایی است که موضوعات حاد امنیت ملی و جهانی در آن با هم تداخل پیدا کرده و بیشتر اقدامات در این سطح (منطقه) رخ می‌دهند. بنابراین، نظم‌های امنیتی منطقه‌ای مهم هستند، زیرا، اگرچه زمینه‌های بزرگ‌تر مانند ساختار بین‌المللی بر نحوه ارتباط دولت‌ها با یکدیگر تأثیر می‌گذارند، اما در مسائل امنیتی، مهم‌ترین نیروهایی که انتخاب‌ها و رفتار دولت‌ها را شکل می‌دهند، مناطق هستند. به بیانی دقیق‌تر، دولت‌ها از نظر امنیتی به شدت تحت تأثیر کشورهایی هستند که از نظر جغرافیایی نزدیک آن‌ها می‌باشند.

از این نظر، نظم امنیتی منطقه‌ای به‌عنوان ساختارهایی قابل اتکاء در نظر گرفته می‌شوند که قادر به پاسخگویی به چالش‌های معاصر می‌باشند. در یک تعریف ساده نظم امنیتی منطقه‌ای مجموعه‌ای از نهادها و شیوه‌هایی (محدود به جغرافیای خاص) است که پیکربندی قابل تشخیصی از روابط بین دولت‌ها در رابطه با موضوعاتی که آن‌ها به‌عنوان چالش‌های وجودی برای منافع خود در نظر می‌گیرند، ایجاد می‌کند. در قالب این نظم است که موضوعاتی مانند قدرت، امنیت و نحوه استفاده از قواعد، هنجارها مورد بحث قرار می‌گیرد (Bisley, 2019: 363). ویژگی برجسته نظم امنیتی منطقه‌ای نیز پیوند متقابل است. به عبارتی بهتر، نظم امنیتی منطقه‌ای، ترتیباتی است که در آن کشورهای یک منطقه در سیاست‌های امنیتی خود چنان در هم تنیده می‌شوند که اقدامات تک‌تک آن دولت‌ها و رویدادهای مهم در داخل هر کشور یا تاثیرگذاری عوامل خارجی، تأثیر قابل توجهی بر همه آنها دارد. این وابستگی متقابل است که نظم امنیتی منطقه‌ای را از سایر نظم‌ها مانند ملی و جهانی متمایز می‌کند (Engelbrekt, 2024: 207).

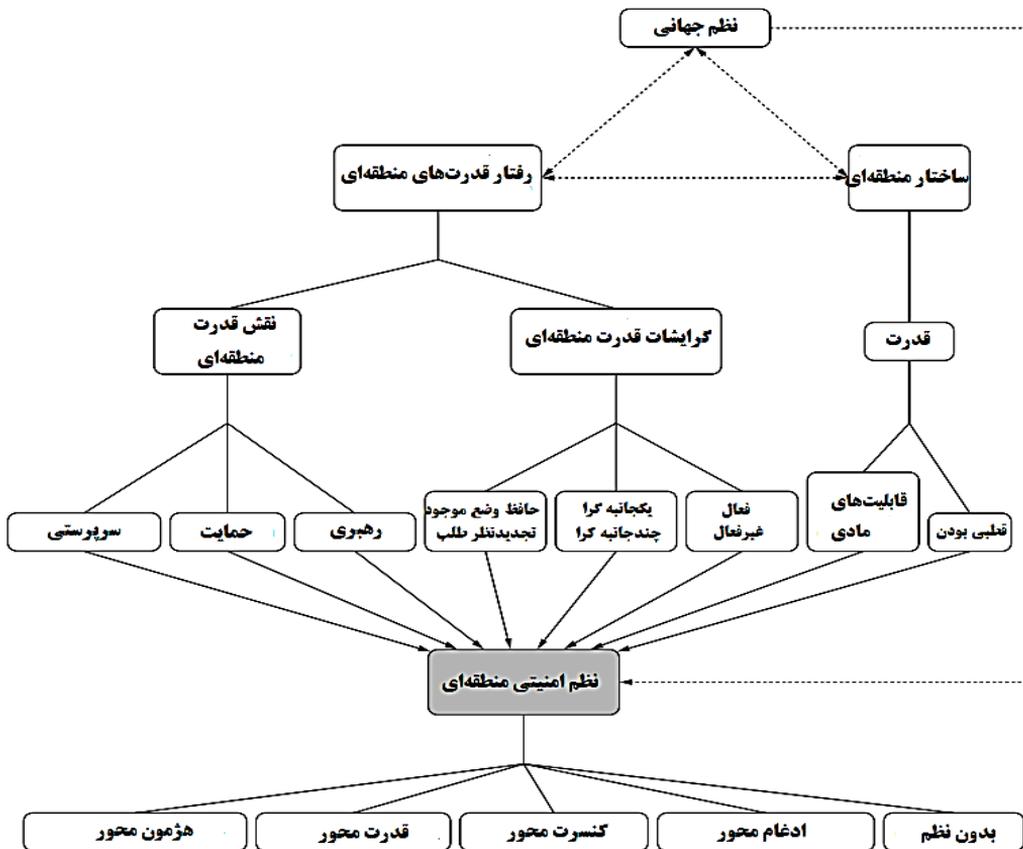
به بیان بری بوزان^۱ و اوله ویور^۲ «نظم در سطح منطقه‌ای به این موضوع اشاره دارد که در یک منطقه دولت‌ها یا سایر واحدها به حدی به یکدیگر پیوند خورده‌اند که موضوعات امنیتی آن‌ها را نمی‌توان جدا از یکدیگر در نظر گرفت» (Buzan and Wæver, 2003: 43). پویایی، دیگر ویژگی نظم امنیتی منطقه‌ای است. نظم امنیتی منطقه‌ای اغلب به‌عنوان یک ساختار پویا و وابسته به تغییر عوامل داخلی و خارجی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند بر تکامل

^۱. Barry Buzan

^۲. Ole Wæver

آن (منطقه)، تغییر برنامه‌های امنیتی منطقه‌ای و درک تهدید و همچنین استقلال و وابستگی منطقه‌ای تأثیر بگذارد. مناطق و نظم‌های امنیتی منطقه‌ای در واکنش به عوامل بیرونی و داخلی که بر پویایی نظم امنیتی منطقه تأثیر می‌گذارند، دائماً در حال تغییر تلقی می‌شوند (Karpaviciute, 2021: 162). بنابراین تغییر در نظم امنیتی منطقه‌ای یک فرآیند طبیعی است و همانگونه که عنوان شد تغییر در این نظم می‌تواند ناشی از عوامل خارجی مانند چالش‌ها و تغییرات در نظم بین‌المللی و یا تاثیرگذاری عوامل درون منطقه‌ای مانند تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای، تغییر ساختارهای نهادی منطقه‌ای و تغییر گرایش قدرت‌های منطقه‌ای، و غیره ... باشد. مبتنی بر این فرضیه‌ها، الگوی زیر را می‌توان برای تغییر در نظم امنیتی منطقه‌ای پیشنهاد داد.

شکل شماره ۱: الگوی تغییر در نظم امنیتی منطقه‌ای



Source: Ingersoll and Frazier, 2012:9.

همان گونه که در نمودار فوق قابل مشاهده است، تغییر و تحول در نظم امنیتی منطقه‌ای در نهایت می‌تواند منجر به بروز هریک از الگوهای نظم ذیل شود.

نظم هژمون محور^۱: فرض اساسی نظم هژمونیک وجود سلسله‌مراتب و استیلای یک قدرت بر سایرین است، زیرا حکمرانی در سطوح مختلف بدون امپراتوری‌ها و هژمونی‌ها امکان‌پذیر نیست (Gilpin, 1981:156). در واقع، وجود یک دولت قوی به عنوان یک نقطه محوری در جهت رهبری و تامین امنیت ضروری است، چون هژمون نقش بسزایی در همکاری‌های بین‌المللی و رژیم‌سازی ایفا می‌کند (Keohane, 1984:46).

نظم قدرت محور^۲: امنیت با استفاده از راهبردهای مبتنی بر قدرت مادی تامین می‌شود و هدف اصلی بازدارندگی یا مقابله با مشکلات امنیتی از طریق استقرار قابلیت‌های قدرت متعارف است. به عنوان مثال، توازن قوا از جمله راهبردهای مطرح در این نوع نظم است. موازنه قدرت مبتنی بر این فرضیه است که چون واحدها در یک سیستم آنارشی در تلاش برای به حداکثر رساندن شانس بقای خود (امنیت) هستند، با ایجاد و افزایش قابلیت‌های خود (توازن داخلی) و تجمیع توانایی‌های خود با سایر واحدها در اتحادها (توازن خارجی)، تلاش می‌کنند در مقابل اقدامات خطرناک یک قدرت (هژمونی) تعادل ایجاد کنند (Wohlforth et al, 2007:157).

نظم کنسرت محور^۳: امنیت عمدتاً از طریق تلاش‌های هماهنگ قوی‌ترین دولت‌های سیستم که به‌طور منظم ملاقات می‌کنند و مسئولیت مشترک تهدیدات مشترک را می‌پذیرند، اما رابطه مبتنی بر رقابت با یکدیگر را حفظ می‌کنند، دنبال می‌شود (Ingersoll and Frazier, 2012:27). کنسرت سیستمی منطقه‌ای یا جهانی است که عمدتاً بر اساس توازن قوا و در مقابل یک هژمون شکل می‌گیرد. البته به اعتقاد رابرت جرویس^۴ سیستم‌های کنسرت پس از جنگ بزرگ علیه یک هژمون بالقوه شکل می‌گیرند (Jervis, 1985:61). در سیستم کنسرت بر روی سه اصل تعهد به حفظ وضع موجود؛ توافقی مبنی بر عدم استفاده از جنگ یا تهدید برای حل و فصل مشکلات، و توافقی مبنی بر اینکه کنسرت یک ترتیب غیررسمی است که بر اساس منفعت شرکت کنندگان بنا شده است و وابسته به هنجارهای رسمی نیست، اتفاق نظر وجود دارد (Gordon, 2012:36).

1. Hegemony-based

2. Strength-based

3. Concert-based

4. Robert Jervis

نظم ادغام محور^۱: امنیت در درجه اول از طریق ترویج عمدی انواع مختلف وابستگی متقابل در سراسر سیستم به منظور ایجاد مجموعه‌ای مشترک از منافع، ارزش‌ها و هویت تأمین می‌شود (Ingersoll and Frazier, 2012: 27). به عنوان مثال، اجتماع امن^۲ پیشنهاد شده از سوی کارل دویچ^۳ نوعی نظم ادغام محور است. یک اجتماع امن به گروهی اطلاق می‌شود که اعضای آن درهم ادغام شده‌اند. به این معنی که هدف آن‌ها دستیابی به یک حس اجتماعی مشترک، از طریق نهادها و یا شیوه‌های رسمی یا غیررسمی است (Koschut, 2014: 519). حس اجتماعی مشترک یعنی اینکه مشکلات اجتماعی مشترک باید و می‌توانند از طریق فرآیندهای «تغییر مسالمت‌آمیز» حل و فصل شوند. بنابراین اجتماع امن، اجتماعی است که بین اعضای آن اطمینان واقعی وجود دارد که آن‌ها به صورت فیزیکی با یکدیگر نمی‌جنگند؛ بلکه اختلافات میان خود را با بهره‌گیری از روش‌های دیگر، حل و فصل و مدیریت می‌کنند (Deutsch et al, 1957: 5). حتی در این زمینه می‌توان به ایده وابستگی متقابل پیچیده رابرت کوهن^۴ و جوزف نای^۵ اشاره کرد.

فقدان نظم^۶: شرایط فرضی است که در آن هیچ‌الگویی برای پیگیری موضوعات امنیتی وجود ندارد.

۱. نظم امنیتی در منطقه اوراسیا

در طول قرون گذشته، چندین مورد از مهم‌ترین وقایع که تاریخ جهانی بشر را شکل داده‌اند در اوراسیا رخ داده است. به عنوان مثال، اولین نظام‌های سیاسی دموکراتیک، اکتشافات بزرگ، توسعه علوم و فلسفه، دو جنگ جهانی و پیامدهای آن که نظام بین‌الملل را تا کنون تعیین کرده‌اند، همگی در اوراسیا میزبانی شده‌اند. علاوه بر این، منطقه اوراسیا، بزرگترین خشکی قاره ای در جهان می‌باشد. بنابراین توجه قدرتهای بزرگ همواره معطوف به این منطقه بوده است، آن‌ها به این مسئله واقف بوده‌اند که برای به حداکثر رساندن قدرت و کنترل مقادیر کافی از منابع برای بقای خود در سیستم بین‌المللی، باید کنترل اوراسیا را در دست بگیرند

¹. Integration-based

². security community

³. Karl Deutsch

⁴. Robert O. Keohane

⁵. Joseph S. Nye Jr

⁶. Unordered

(Panagopoulou, 2023: 26). بر همین اساس نیز در دوره‌های مختلف تاریخی نظم‌های امنیتی مختلفی بر منطقه حاکم بوده است.

در قرن هیجدهم، نظم امنیتی منطقه اوراسیا متأثر از کنسرت اروپا بود. کنسرت اروپا مجموعه‌ای از قوانین اغلب غیررسمی، اما در عین حال تأثیرگذار بود که پس از انقلاب فرانسه و جنگ‌های ناپلئونی، مورد توافق قدرت‌های بزرگ اروپا (بریتانیا، اتریش، روسیه، پروس، و بعداً فرانسه) قرار گرفت. بریتانیا از نظر ثروت و منابع بالفعل قدرت مسلط بود، درحالی‌که روسیه قرار بود نقش بزرگی در نظام پس از ناپلئونی ایفا کند (Lascurettes, 2017:4). در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ نیز نظم امنیتی این منطقه مبتنی بر توزیع دوقطبی قدرت و سیستم اتحادی مرتبط با این توزیع بود. در این دوره سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و پیمان ورشو مهم‌ترین مکانیزم‌های ایجاد اتحاد بودند (Sperling 2003:5). با از بین رفتن فضای جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نظم امنیتی اوراسیا (نظم دو قطبی و اتحادمحور) دچار دگرگونی شد.

در چنین فضایی بازیگران و موضوعات جدیدی مطرح شدند. به‌عنوان مثال، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نزدیک به ۱۵ جمهوری مستقل و به‌عنوان بازیگران جدید در محیط امنیتی منطقه اوراسیا ظهور کردند. از سوی دیگر تقابل نظامی بین دو قطب جنگ سرد یعنی ناتو و سازمان پیمان ورشو با تجزیه سیاسی-نظامی این قاره، به ویژه در قلمرو بسیاری از کشورهای سابق پیمان ورشو، از بین رفت. بنابراین نوع و ابعاد تهدیدات امنیتی دگرگون شد. از جمله اینکه، پتانسیل درگیری بین دولتی به‌ویژه در زمینه جنگ هسته‌ای کاهش یافته و درگیری و اختلافات قومی، مذهبی، سرزمینی و عمدتاً در داخل کشورهای سراسر اروپای شرقی و جنوب شرقی و در جمهوری‌های شوروی سابق قفقاز و آسیای مرکزی، به وجود آمد (Hopmann, 1999:1). با این وجود، مهم‌ترین برآیند تغییر و تحولات در نظم جهانی و منطقه‌ای در دهه ۱۹۹۰، شکل‌گیری نظم هژمون‌محور در منطقه اوراسیا بود.

با فروپاشی شوروی، هرچند درخواست‌هایی برای ابتکار امنیت جهانی مبتنی بر رد سیاست بلوک بندی به سبک جنگ سرد و حرکت به سمت نظم چندقطبی از طریق گفت-وگو، وجود داشت (Dunford, 2023:104) اما درنهایت نوعی سلسله مراتب قدرت شکل گرفت که ایالات متحده آمریکا در راس آن بود. برای حفظ این موقعیت، این کشور تلاش داشت کنترل خود بر مناطق مختلف به‌ویژه اوراسیا را حفظ کند. یکی از مفاهیم

کلیدی سند راهبردی دولت بوش در دهه ۹۰ «چالشگر همتا» بود. قدرتی که می‌توانست سلطه ایالات متحده بر نظام بین‌الملل را به چالش بکشد. سند بر جلوگیری از ظهور یک قدرت جدید از منطقه اوراسیا تاکید داشت. به عقیده نظریه‌پردازان آمریکایی، با توجه به منابع عظیم معدنی، اقتصادی، جمعیتی و نظامی ابرقاره اوراسیا، تنها جایی در جهان که می‌توانست از آنجا یک رقیب همتای قابل تصور برای به چالش کشیدن واشنگتن ظاهر شود، اوراسیا بود (Kuchins, 2018: 126).

این ایده که آمریکا باید به‌عنوان تنها هژمون جهانی عمل کند در «دکترین ولفوویتز»^۲ منعکس شد. این دکترین بیان می‌داشت ایالات متحده باید از خلاء ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به‌عنوان فرصتی برای جلوگیری از ظهور هر بازیگری که تلاش دارد یک رقیب جهانی برای این کشور باشد، استفاده کند. در این دکترین به‌صراحت بیان شده بود که اولین هدف ایالات متحده باید جلوگیری از ظهور مجدد یک رقیب جدید، چه در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق و چه در جاهای دیگر باشد. این یک ملاحظه اساسی در زیربنای راهبردی دفاعی جدید منطقه‌ای کشور بوده و مستلزم آن است ایالات متحده تلاش کند تا از تسلط هر قدرت متخاصم بر منطقه‌ای که منابع آن برای تولید قدرت جهانی کافی است، جلوگیری نماید (Roberts, 2015: 70). همچنین در این دکترین عنوان شده بود تقویت و گسترش ترتیبات دفاعی جدیدی باید در دستور کار قرار گیرد تا کشورهای دموکراتیک و همفکر را در دفاع مشترک در برابر تجاوز به‌هم پیوند داده، عادات همکاری ایجاد و از ملی‌سازی مجدد سیاست‌های امنیتی جلوگیری شود. (Farkhutdinov, 2020: 295).

بنابراین، مطابق با این اهداف، گسترش نظم یورو آتلانتیک در اوراسیا با محوریت سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) تبدیل به مهم‌ترین راهبرد ایالات متحده در جهت شکل دادن به ترتیبات امنیتی منطقه شد. در واقع زمانی که ایالات متحده با کنترل‌های خارجی معنی‌دار کمی بر نفوذ ژئوپلیتیک خود مواجه شد «باز کردن درهای ناتو و افزایش عضویت در ناتو» را مدنظر قرار داد که به‌شدت ناشی از تمایل به ممانعت از ظهور مجدد روسیه و در عین حال قدرت یابی چین، تضمین موقعیت ناتو به عنوان نقطه کانونی امنیت اروپا و تداوم وابستگی امنیتی اروپا به ایالات متحده بود. چرا که علی‌رغم روابط نزدیک این کشور با اروپای غربی، سیاست‌گذاران ایالات متحده تلاش برخی کشورهای اروپایی برای استقلال امنیتی اروپا را چالشی بلندمدت برای

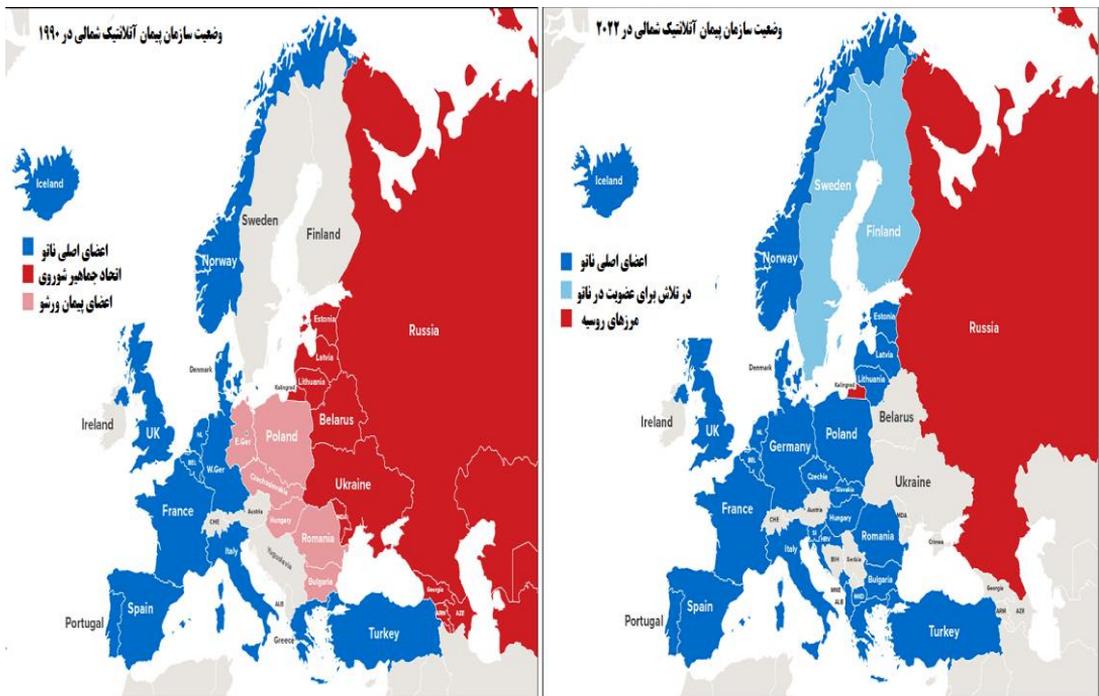
¹. Peer challenger

². Wolfowitz Doctrine

نفوذ این کشور در امور امنیتی و سیاسی اروپایی دانستند (Shifrinson, 2022:5). شکل زیر روند گسترش ناتو در منطقه اوراسیا از دهه ۹۰ را نشان می‌دهد. (Kemp,2020)

هدف اصلی ایالات متحده ایجاد حوزه‌های نفوذ جدید و در نتیجه دستیابی به یک سیستم امنیتی و کنترل بسیار محکم‌تر بود که می‌توانست به راحتی موانعی را که بر سر راه حفاظت از هژمونی آن قرار داشت را از بین ببرد. از سوی دیگر منابع عظیم نفت و گاز طبیعی اوراسیا سوختی بود که می‌توانست ماشین جنگی ایالات متحده را تغذیه کند تا در صورت نیاز عملیات نظامی جدید توسط واشنگتن و متحدانش علیه مخالفان محلی و همچنین قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای مانند چین و روسیه انجام شود (Fouskas and Gokay,2005: 29). با این وجود، علی‌رغم تمام مزیت‌هایی که گسترش ناتو به اوراسیا برای ایالات متحده داشت، این گسترش یک چالش جدی و اساسی نیز برای این کشور ایجاد کرد و آن شکل‌گیری نوعی تقابل امنیتی بین نظم یوروآتلانتیکی (ایالات متحده آمریکا و اروپا) و شکل‌گیری نظم روسی-چینی در اوراسیا بود.

شکل ۲. گسترش ناتو به اوراسیا از دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۲



Source: Kemp,2020

۲. نظم روسی - چینی در منطقه اوراسیا

شروع همکاری‌های از دهه ۱۹۹۰. چنان‌که عنوان شد نگرانی از ظهور یک قدرت جدید از منطقه اوراسیا و یا با استفاده از ظرفیت‌های این منطقه، ایالات متحده آمریکا را به سمت گسترش کنترل بر این حوزه سوق داد. اما این موضوع نوعی ائتلاف یا اتحاد ضدهژمون در منطقه را نیز ایجاد نمود. هرچند گسترش نفوذ ایالات متحده آمریکا و ناتو به منطقه اوراسیا منبع تهدید اصلی برای روسیه بود و مقامات روسیه گسترش ناتو را راهی برای مهار قدرت روسیه می‌دانستند، اما مقامات چینی نیز در مورد نقش ایالات متحده آمریکا در بحران تنگه تایوان در سال ۱۹۹۶ و همچنین از نبرد سخت در کنگره این کشور بر سر ورود چین به سازمان تجارت جهانی^۱ به‌عنوان تلاشی برای مقابله با نفوذ فزاینده پکن و همچنین چالش‌های آتی حضور ناتو در منطقه اوراسیا نگران بودند. بر همین اساس، به همکاری و تشکیل ائتلاف ضد هژمون با روسیه در منطقه اوراسیا تمایل پیدا کردند. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۹۲، روسیه و چین بیانیه مشترکی را بر اساس روابط متقابل و در جهت برقراری روابط دوستانه و همکاری‌های بلندمدت امضا کردند.

دو سال بعد، در سال ۱۹۹۴، دو دولت بر روی سند جدیدی با عنوان «اعلامیه مشترک چین و روسیه» به توافق رسیدند. یکی از مفاد مهم این اعلامیه مشترک افزایش همکاری‌های به ویژه در حوزه فنی و دفاعی بود. حتی در سال ۱۹۹۷، زمانی که بیل کلینتون^۲، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، به یلتسین اطلاع داد که عضویت ناتو به سمت شرق گسترش خواهد یافت، روسیه و چین اعلامیه مشترک جدیدی در مورد جهان چند قطبی و ایجاد نظم بین‌المللی جدید امضا و اعلام کردند دو طرف تلاش دارند روابط دوجانبه خود را به یک «مشارکت مبتنی بر برابری و اعتماد متقابل به‌منظور تعامل راهبردی در قرن بیست و یکم» ارتقا دهند. همچنین بین سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷، چین و روسیه همراه با برخی از جمهوری‌های شوروی سابق (قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان) دو معاهده اضافی در زمینه امنیت منطقه‌ای یعنی معاهده تعمیق اعتماد نظامی در مناطق مرزی و معاهده کاهش نیروهای نظامی در مناطق مرزی را امضا کردند (Borsani, 2023:43).

نکته قابل توجه اینکه این پنج کشور همراه با ازبکستان در سال ۲۰۰۱ در مورد ایجاد یک سازمان ساختار یافته امنیتی بنام سازمان همکاری شانگهای به توافق رسیدند. سازمان همکاری شانگهای نقطه مقابل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی بود. زیرا علاوه بر تلاش برای

^۱. World Trade Organization

^۲. William Jefferson Clinton

همکاری‌های امنیتی بین اعضا، از جمله جلوگیری از تک قطبی راهبردی و نظامی بین‌المللی که توسط ناتو و ایالات متحده آمریکا دنبال می‌شد (Lupas, 2014: 123). این سازمان در قالب «روح شانگهای»^۱ بر برخی اصول و هنجارها تاکید داشت که متفاوت از هنجارهای غربی بود. در بیانیه تاسیس سازمان همکاری شانگهای اشاره شده بود که این نهاد مبتنی بر «اعتماد متقابل، سود متقابل، برابری، مشورت، احترام به تمدن‌های مختلف، [و] تلاش برای توسعه مشترک» است (Ambrosio, 2008: 1327).

این هنجارها با هنجارهایی که توسط ایالات متحده و سایر کشورهای همفکر ترویج می‌شد متفاوت بود و دو هدف اصلی یعنی فراهم کردن زمینه برای همکاری سازنده اعضای سازمان همکاری شانگهای و هدف بیرونی به چالش کشیدن نظم تک قطبی درک شده در روابط بین‌الملل معاصر را دنبال می‌کرد. به‌ویژه، سازمان همکاری شانگهای روح شانگهای را به عنوان جایگزینی برای ذهنیت منسوخ جنگ سرد، بازی‌های حاصل جمع صفر و برخورد تمدن‌ها با تأکید بر مشارکت به جای اتحاد، ترویج می‌نمود. علاوه بر این مفهوم روح شانگهای از یک نظم جهانی مبتنی بر مکانیسم حاکمیتی و مشاوره‌ای که به تنوع فرهنگ‌ها و نهادها احترام می‌گذاشت، از اصل اولیه حقوق بین‌الملل پیروی می‌کرد، و از طریق مشورت به دنبال ایجاد صلح پایدار و رفاه مشترک بود، حمایت می‌کرد (Honrada and Bokeriya, 2023: 255).

حتی تلاش‌های روسیه و چین برای شکل دادن به نظم امنیتی منطقه اوراسیا محدود به این موارد نشد. دو کشور در سال ۲۰۰۱ و دو سال پس از مداخله جنجالی ناتو در جنگ کوزوو (۱۹۹۹) (که سفارت چین در بلغراد هم توسط ناتو بمباران شد)، معاهده همسایگی خوب و همکاری دوستانه («پیمان بزرگ») را امضا کردند. نکته قابل توجه اینکه پس از پایان یافتن معاهده دوستی و اتحاد چین و اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۵۰) در سال ۱۹۸۰، مقامات شوروی چندین بار پیشنهاد امضای سند جدیدی را دادند، اما چینی‌ها قاطعانه از انجام آن امتناع ورزیده و عقیده داشتند پیشنهاد اتحاد جماهیر شوروی ابزاری برای مسکو در جهت پنهان کردن مشکلات عمده در روابط دو کشور و بیش از همه مسائل مرزی است (Wishnick, 2001: 803). در حالیکه معاهده جدید شراکت راهبردی را مدنظر قرار داده و اعلام می‌داشت دو کشور برای تعمیق همکاری نظامی خود، کمک به امنیت یکدیگر و حفظ ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی اقدام خواهند کرد. همچنین مسکو و پکن متعهد شدند وارد اتحادها یا بلوک‌های مخالف نشده و اقداماتی را انجام ندهند که به حاکمیت، امنیت و

^۱. Shanghai Spirit

تمامیت ارضی شریک آسیب وارد کند (Borsani, 2023:44). در طی دهه ۲۰۰۰ نیز این روابط توسعه یافت. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۴ تعیین مرز بین روسیه و چین نهایی و پس از یک سری مذاکرات، آخرین اختلاف مرزی در سال ۲۰۰۸ حل و فصل و مرز غیرنظامی شد (Bolt, 2014: 51).

بحران اوکراین (۲۰۱۴) به عنوان نقطه عطف در روابط روسیه و چین. بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ را می توان یک نقطه عطف در روابط روسیه و چین در نظر گرفت. این بحران به نظم امنیتی پس از جنگ سرد در اروپا پایان و منجر به دوره‌ای از رقابت بین ایالات متحده آمریکا و روسیه و حتی رویارویی آنها شد که یادآور بازی بزرگ قرن نوزدهم (مبارزه برای برتری بین امپراتوری روسیه و بریتانیا) بود. البته رقابتی که نامتقارن و به شدت نابرابر بود (Trenin, 2014:2) روسیه در مواجهه با غرب متخاصم به سمت توسعه روابط با شرق (چین) تمایل پیدا کرد. علاوه بر نیازمندی‌های ناشی از بحران، چین تهدید وجودی برای روسیه نبود (Gabuev, 2019: 63). البته چین نیز بحران اوکراین را به عنوان فرصتی برای گسترش روابط با روسیه و همچنین عاملی برای بازدارندگی در مقابل ایالات متحده در آسیا-اقیانوسیه، به ویژه در دریای چین جنوبی می‌نگریست. بنابراین، پس از سال ۲۰۱۴، چند تهدید و منفعت مشترک روسیه و چین را به همدیگر نزدیک می‌ساخت:

تحریم‌های اقتصادی غرب باعث از بین رفتن زنجیره‌های تأمین روسیه با شرکای غربی و جایگزینی آن با چین شد. سهم چین از تجارت روسیه از ۱۱ درصد در سال ۲۰۱۳ به ۱۸ درصد در سال ۲۰۲۱ افزایش یافت (Sutter and Sutherland, 2024:1)؛ ایالات متحده آمریکا به عنوان تهدید امنیتی اولیه و بالقوه وجودی برای هر دو کشور قلمداد می‌شد. به ویژه آغاز بحران اوکراین و خروج رسمی آمریکا از افغانستان همراه با تصورات مربوط به جدایی این کشور از منطقه، مسکو و پکن را به تعمیق تعامل منطقه‌ای خود وا می‌داشت (Cooley, 2019: 129)؛ تهدیدات داخلی ناشی از مناطق مورد مناقشه (چچن، سین کیانگ، تبت) و همچنین مخالفان ایدئولوژیکی داخلی برای چین مطرح بود. برای چین، تعامل با اوراسیا و ارتقای یکپارچگی منطقه‌ای فقط به لحاظ سیاست خارجی مهم نبود، بلکه گسترش سیاست داخلی نسبت به استان ناآرام غربی آن یعنی سین کیانگ نیز تلقی می‌شد؛ احیای «امپراتوری گمشده» روسیه در قالب جهان روسی و چین تسلط بر دریا‌های چین جنوبی و شرقی و تایوان) هدف هر دو کشور بود. هم برای روسیه و هم برای چین، بخش‌هایی از امپراتوری گمشده (اوکراین برای روسیه، تایوان برای چین) یک آلترناتیو خطرناک ایدئولوژیکی محسوب می‌شد (Kukkola and Puranen, 2022: 69)؛ و

نهادهای ضد هژمون چین از جمله یک کمر بند یک راه علی‌رغم محدودسازی حوزه نفوذ روسیه، ابزاری برای مقابله با ایالات متحده و ناتو محسوب می‌شد (Cooley, 2019: 115)

بنابراین از ۲۰۱۴ به بعد روند همگرایی روسیه و چین در منطقه اوراسیا افزایش یافت. در سال ۲۰۱۵ دو کشور بیانیه مشترک «همکاری در هماهنگی توسعه پروژه اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کمر بند اقتصادی جاده ابریشم، که بر تقویت یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای و حفظ صلح و ثبات در خشکی اوراسیا» تاکید داشت، را امضا کردند. متعاقب این بیانیه یک پلتفرم گفتگو برای بررسی اقدامات مشخص برای ادغام بهتر اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کمر بند اقتصادی جاده ابریشم ایجاد شد. ایده‌ای که در قالب عباراتی مانند «قلاب کردن» یا «پیوستن^۱» در چینی و «جفت شدن^۲» در روسی بیان می‌شد (Rolland, 2019: 10). این پیوستن یا جفت شدن به ویژه از دیدگاه روسیه بسیار متمایز بود. روسیه عقیده داشت مسکو و پکن باید در ایجاد نظم منطقه‌ای در قلب اوراسیا از طریق هماهنگی کلان ابتکارات، همکاری کنند. بر همین اساس در سال ۲۰۱۶، ولادیمیر پوتین، در سخنرانی خود در مجمع اقتصادی سن پترزبورگ، ابتکار مشارکت جامع اوراسیایی را مطرح کرد:

«ما شکل‌گیری یک مشارکت جامع اوراسیا بزرگ با حضور اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهایی که با آن‌ها روابط نزدیک داریم مانند چین، هند، پاکستان و ایران را پیشنهاد می‌دهیم. این مشارکت برای ورود کشورهای مستقل مشترک المنافع و دیگر کشورها و انجمن‌های ذینفع از جمله کشورهای اروپا نیز باز است» (kremlin.ru, 2016)

در جریان سفر رئیس‌جمهور روسیه به چین در ژوئن ۲۰۱۶، طرفین بیانیه مشترکی در مورد تقویت ثبات راهبردی جهانی و منطقه‌ای از جمله در اوراسیا تصویب کردند. این سند نه تنها گامی جدید در توسعه روابط دوجانبه بود، بلکه سهم دو کشور در شکل‌گیری مفهوم مدرن ثبات راهبردی به‌عنوان یک وضعیت روابط بین‌المللی با مختصات زیر را مشخص می‌کرد: پایبندی دقیق همه دولت‌ها به اصول و هنجارهای حقوق بین‌الملل، احترام به منافع مشروع همه دولت‌ها و عدم پذیرش مداخله در زندگی سیاسی سایر کشورها در حوزه سیاسی؛ پرهیز از اقدامات هدفمند در زمینه توسعه نظامی، تشکیل و گسترش ائتلاف‌های نظامی - سیاسی حل اختلافات از طریق گفتگوهای مثبت و سازنده، و تقویت اعتماد و همکاری متقابل در حوزه نظامی (Лузянин et all, 2017: 7).

1. (对接)

2. (сопряжение)

در سال ۲۰۱۷، نیز پوتین و شی جین پینگ به‌طور رسمی در مورد تعمیق «مشارکت جامع و همکاری استراتژیک» دوجانبه توافق و وزارت بازرگانی چین و وزارت توسعه اقتصادی روسیه متعهد شدند یک گروه کاری را برای بررسی امکان سنجی مشارکت اقتصادی مشترک اوراسیا تشکیل دهند. در جریان رایزنی‌ها پیرامون موضوع مشارکت اوراسیا (یا مشارکت بزرگ اوراسیا، یا مشارکت اقتصادی اوراسیا) محققان و کارشناسان روسیه و چین بر سر نکات اصلی یعنی رعایت اصل برابری حاکمیت، عدم مداخله در امور داخلی، احترام به مسیر توسعه انتخاب شده یک کشور، احترام به سنت‌های فرهنگی هر کشور، مدارای متقابل، و رویکردهای برد-برد به اجماع رسیدند (Li, 2018: 07). از سوی دیگر روسیه و جمهوری خلق چین در سال ۲۰۱۹ بیانیه مشترکی را در مورد توسعه مشارکت همه‌جانبه و همکاری راهبردی در دوره جدید امضا کردند که در آن عنوان شده بود «طرفین بر این باورند که ابتکار یک کمربند، یک جاده و ایده مشارکت بزرگ اوراسیا می‌تواند به صورت همزمان و در یک راستا توسعه یافته و رشد اتحادهای منطقه‌ای و همچنین فرآیندهای ادغام دوجانبه و چندجانبه را به نفع کشورهای اوراسیا تسهیل کند (Novikov and Bocharova, 2024: 57).

لازم به توضیح است ایده مشارکت بزرگ اوراسیا در بیانیه سازمان همکاری شانگهای (بیشکک ۲۰۱۹) نیز گنجانده شد. در این بیانیه عنوان شده بود «کشورهای عضو، استفاده از پتانسیل کشورهای منطقه، سازمان‌های بین‌المللی و انجمن‌های چندجانبه را برای ایجاد فضایی در وراسیا برای همکاری‌های گسترده، باز، متقابل سودمند و عادلانه با هدف تأمین امنیت پایدار و توسعه پایدار مهم می‌دانند» (Bishkek Declaration, 2019). نکته قابل توجه آنکه در ۴ فوریه ۲۰۲۲ و قبل از شروع مجدد جنگ اوکراین در بیانیه مشترک فدراسیون روسیه و جمهوری خلق چین در مورد روابط بین‌المللی در حال ورود به عصر جدید و توسعه پایدار جهانی دو طرف اعلان داشتند؛

طرفین بر این باورند برخی از کشورها و ائتلاف‌ها از طریق به‌کارگیری شیوه‌های رقابت ناعادلانه، تشدید رقابت ژئوپلیتیکی، به‌دنبال به‌دست آوردن مزیت‌های نظامی یکجانبه به ضرر امنیت دیگران هستند. طرفین مخالف گسترش بیشتر ناتو هستند و از ائتلاف آتلانتیک شمالی می‌خواهند رویکردهای ایدئولوژیک جنگ سرد خود را کنار گذاشته، و به حاکمیت، امنیت و منافع سایر کشورها، تنوع پیشینه تمدنی، فرهنگی و تاریخی آن‌ها احترام بگذارد. (kremlin.ru, 2022).

در جریان سفر سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه به چین در ۸ و ۹ آوریل ۲۰۲۴ (۲۰ و ۲۱ فروردین ۱۴۰۳) و در دیدار با همتای چینی خود، دو طرف تمایل خود را برای تقویت امنیت اوراسیا اعلام و در مورد جذب کشورهای همفکر و آغاز گفتگوی امنیتی اوراسیا توافق کردند (International Affairs Review, 2024). بنابراین، دامنه همگرایی روسیه و چین در منطقه اوراسیا و به‌ویژه توافق اخیر آن‌ها در مورد شکل دادن به گفتو گوهایی امنیتی در منطقه اوراسیا این فرضیه را مطرح ساخته است که دو کشور در تلاش برای بازنگری در نظم امنیتی منطقه و ایجاد ترتیبات جدید هستند.

۳. ماهیت نظم امنیتی منطقه‌ای روسی - چینی در اوراسیا

همانگونه که ملاحظه گردید اساساً بعد از بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ و همچنین جنگ روسیه و اوکراین در سال ۲۰۲۲ تا حدی نظم تک‌قطبی (به مرکزیت ایالات متحده) در منطقه اوراسیا از بین رفته و نظم چندقطبی حاکم شد. در این نظم بازیگران اصلی غرب (ایالات متحده، اتحادیه اروپا و متحدان آن‌ها) در یک سو و پیوند روسیه و چین در سوی دیگر قرار دارد که متشکل از دو بخش است. یک بخش روسیه با متحدان و سازمان‌های منطقه‌ای آن، مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان پیمان امنیت جمعی و بخش دیگر، چین با ابتکار کمربند و جاده، موسسات مالی مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، شرکت‌های فناوری پیشرفته، و شرکای استراتژیک جامع در مناطق مختلف اوراسیا، قرار داد (Sahakyan, 2023:2). بنابراین متاثر از این تقسیم‌بندی، ماهیت نظم منطقه‌ای روسی - چینی در منطقه اوراسیا ضد‌هژمون است.

ضد هژمون از موضع کنترل جهانی و منطقه‌ای به آن قدرت‌هایی اشاره دارد که می‌کوشند از شکل‌گیری یک رژیم و یا ترتیبات امنیتی خاص در یک منطقه جلوگیری کنند (Savin, 2017). مستخرج از دیدگاه رهبران روسیه و چین، رد یکجانبه‌گرایی، تقابل بلوک‌ها، و ذهنیت جنگ سرد، حمایت از احترام به حاکمیت، عدم مداخله و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات از مهم‌ترین ویژگی‌های نظم امنیتی ضد هژمون است (Dunford, 2023:120). این نظم ضد‌هژمون در منطقه اوراسیا در مقابل نظم یورآتلانتیکی با محوریت ناتو است. به عبارت بهتر، روسیه و چین همگرایی و همکاری خود در منطقه اوراسیا را به منظور مقابله با هژمونی ایالات متحده و گسترش ناتو قرار داده‌اند. به بیان وانگ یی^۱

^۱. Wang Yi

وزیر خارجه چین «مسکو و پکن برای مقابله با «هژمونیسیم» و «هر دایره کوچکی (ناتو) که درگیر تقابل بلوکی باشد» تلاش می‌کنند (Fornusek, 2024). شکل‌گیری این نظم ضدهژمون نیز حداقل به دو دلیل سلبی و ایجابی حایز اهمیت است.

به لحاظ سلبی، به‌زعم روسیه و چین، پروژه یورو آتلانتیک با سطح بالای یکپارچگی نهادی آن متمایز می‌شود. علی‌رغم پایان جنگ سرد، اتحاد آتلانتیک شمالی نه تنها زنده مانده، بلکه گسترش یافته و کشورهای سابق پیمان ورشو را نیز در بر گرفته است. اما همین سیستم نتوانسته است فراگیر شود و در نتیجه پیش‌نیازهای هرگونه تعامل بر اساس اصول امنیت برابر و غیرقابل تقسیم را از بین برده است. سیستم اروپایی، یا به طور دقیق‌تر، سیستم یورو آتلانتیک، بسته است. این سیستم مکانیسم‌های دموکراتیک خود را دارد، اما به طور عینی تابع اراده و رهبری ایالات متحده آمریکا است. یک درگیری در مقیاس وسیع (روسیه و اوکراین) در مرکز اروپا نتیجه مشهود عدم تعادل انباشته سیستم یورو آتلانتیک بوده است (Timofeev, 2025) مهم‌تر اینکه این سیستم روسیه و چین را تهدید اصلی خود می‌داند. در مفهوم راهبردی ناتو (۲۰۲۲) از روسیه به‌عنوان مهم‌ترین و مستقیم‌ترین تهدید برای امنیت متحدان و صلح و ثبات در منطقه یورو آتلانتیک نام برده شده و مورد چین نیز عنوان شده است. جاه‌طلبی‌ها و سیاست‌های قهری پکن منافع، امنیت و ارزش‌های یورو آتلانتیک را به چالش می‌کشد (NATO Strategic Concept, 2022: 3-4).

از نظر ایجابی نیز فقدان یک ساختار و نظم جایگزین که بتواند مشکل امنیت مشترک و غیر قابل تقسیم را برای همه کشورهای منطقه حل کند احساس می‌شود. هرچند پس از پایان جنگ سرد این ایده مطرح شد که نهادی مانند سازمان امنیت و همکاری اروپا، می‌تواند کشورهای اوراسیایی را در یک جامعه واحد گردهم آورد. اما از آغاز دهه ۲۰۰۰، فعالیت‌های اصلی سازمان امنیت و همکاری اروپا به نفع منافع کشورهای غربی بوده است (Timofeev, 2024). به عبارت بهتر با توجه به تسلط ایالات متحده و ناتو، چارچوب امنیت منطقه‌ای اروپا نتوانسته است اجرای عملی اصل «امنیت تقسیم‌ناپذیر» را تضمین کند. بروکسل و واشنگتن به دنبال سیاست قدرت و اعمال فشار سیاسی و اقتصادی بر دیگران هستند. چنین رویکردی در تضاد با منافع اکثریت کشورهای مستقل در اوراسیا است. همچنین باعث تشدید اختلافات بین‌دولتی و افزایش پتانسیل بحران در سراسر اوراسیا، از جمله در قفقاز جنوبی، آسیای مرکزی، خاورمیانه، آسیای جنوب شرقی و منطقه آسیا-اقیانوسیه شده است (Logvinov, 2024).

۴. ویژگی‌های نظم امنیتی منطقه‌ای روسی - چینی در اوراسیا

بررسی اظهارات مقامات چینی و روسی در مورد نظم امنیتی آتی در منطقه اوراسیا و همچنین بررسی ادبیات پژوهشی تولید شده در این حوزه حاکی از آن است که در حال حاضر طرفین حداقل در مورد سه ویژگی نظم امنیتی آتی توافق نظر دارند:

چندقطبی بودن: بر اساس این ویژگی، نظم امنیتی منطقه‌ای جدید باید مبتنی بر تعامل چند بازیگر بوده و مانند نقش آمریکا در ناتو به تسلط یکی از آنها تقلیل نیابد. یکی از برتری‌های این ویژگی نسبت به نظم هژمونیک این است که توزیع تقریباً برابر ظرفیت مادی بین بازیگران منطقه‌ای وجود دارد. از سوی دیگر تصمیم‌گیری و رهبری در این نظم چند قطبی نیز منحصر به یک بازیگر نبوده و از طریق اجماع نظر و یا حداقل چند قدرت بزرگ صورت می‌گیرد. علاوه بر این وابستگی متقابل به‌جای اینکه از صرفاً از طریق پیوندهای تجاری و امنیتی شکل بگیرد، از طریق بلوک‌های منطقه‌ای خاص در تجارت و امنیت تحقق می‌یابد (Achary et all, 2023:2345) بر همین اساس نیز رایزنی‌ها درباره مسائل امنیتی اوراسیا بین روسیه و چین آغاز شده است (Timofeev, 2024). با این وجود، روسیه و چین تمایل به کنشگری سبب بازیگران نیز دارند. به‌عنوان مثال، ولادیمیر پوتین و شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین در جریان نشست سازمان همکاری شانگهای در قزاقستان (۱۴ تیر ۱۴۰۳) تأکید داشتند؛ اعضای سازمان همکاری شانگهای باید وحدت خود را تحکیم و به‌طور مشترک با مداخله خارجی در مواجهه با چالش‌های واقعی مداخله و تفرقه مخالفت کنند. همچنین پوتین اظهار داشت ساختار جدید امنیتی اوراسیا برای همه کشورهای منطقه از جمله اعضای فعلی ناتو باز است (Reuters, 2024). حتی برخی عقیده دارند که عدم ارائه هرگونه طرح یا پیش‌نویس از سوی روسیه یا چین در مورد نظم امنیتی جدید در اوراسیا موید تمایل آن‌ها به شکل دادن به فضایی برای گفتگو و خلاقیت به جای صدور دستورالعمل‌هایی «از بالا» است (Timofeev, 2025)

چندبعدی بودن امنیت: به‌عنوان یک اصل دیگر، ایده امنیت چند بعدی مطرح است. روسیه و چین عقیده دارند امنیت صرفاً به مسائل نظامی محدود نمی‌شود (اگرچه این موارد اساسی هستند)، بلکه دو کشور با طیف گسترده تری از موضوعات امنیتی، از جمله «تهدیدات ترکیبی» در قالب کمپین‌های اطلاعاتی، امنیت دیجیتال، مداخله در فرآیندهای داخلی، و سیاسی‌شدن اقتصاد و امور مالی روبرو هستند. در مفهوم جامع امنیت ملی چین (۲۰۱۴) اشاره شده است که امنیت باید جامع باشد. این سند تأکید دارد که مفهوم امنیت جامع

زمینه‌های بسیاری از جمله سیاست، نظامی، قلمرو، اقتصاد، مالی، فرهنگ، علم و فناوری، محیط زیست، هسته‌ای، فضا، دریا‌های عمیق، مناطق قطبی، هوش مصنوعی، داده‌ها و غیره است (China comprehensive national security concept, 2014). از سوی دیگر در مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه (۲۰۲۳)، بر مفاهیمی مانند امنیت اطلاعات، امنیت اقتصادی، امنیت فنی و فیزیکی، امنیت منطقه‌ای، امنیت بیولوژیکی و امنیت غذایی (The concept of foreign policy of the Russian Federation, 2023). تاکید شده است.

با وجود این، یک ویژگی اساسی‌تر که به ویژه در طی سال‌های اخیر از سوی روسیه و چین علی‌الخصوص در ارتباط با نظم امنیتی منطقه اوراسیا بر آن تاکید شده و نیاز به توضیح بیشتری دارد اصل تقسیم‌ناپذیری امنیت است:

اصل تقسیم‌ناپذیری امنیت^۱: امنیت تقسیم‌ناپذیر اصلی است که بر پیوستگی امنیت میان ملت‌ها اشاره داشته و تاکید می‌کند امنیت یک کشور بدون در نظر گرفتن امنیت دیگران، به طور کامل محقق نمی‌شود. آن همچنین به این موضوع اشاره دارد که همکاری در تامین امنیت برای همه کشورهای مشارکت‌کننده سودمند است، در حالی که ناامنی در یک دولت می‌تواند بر رفاه همه تأثیر بگذارد. در عمل، این بدان معنی است که دولت‌ها نباید امنیت خود را به هزینه ناامنی سایر کشورها تامین کنند (Kvartalnov, 2021:6). بنابراین در چارچوب اصل امنیت برابر و تقسیم‌ناپذیر، امنیت هر کشور ارتباط تنگاتنگی با امنیت سایر کشورها دارد.

ایده امنیت تقسیم‌ناپذیر در اروپا و اولین بار در توافقنامه هلسینکی^۲ در سال ۱۹۷۵ مطرح شد که عنوان می‌داشت «اعضا تقسیم‌ناپذیری امنیت در اروپا و همچنین منافع مشترک آن‌ها در توسعه همکاری در سراسر اروپا و در میان خود را به رسمیت شناخته و تمایل خود را برای پیگیری تلاش‌ها بر این اساس اعلام می‌دارند» (The Helsinki Accord, 1975: 3). البته ایده امنیت تقسیم‌ناپذیر بعداً در منشور پاریس برای اروپای جدید^۳ در سال ۱۹۹۰ با این تاکید که «امنیت غیرقابل تقسیم است و امنیت هر کشور شرکت‌کننده به‌طور جدایی‌ناپذیری با امنیت همه کشورهای دیگر مرتبط است» (Charter of Paris for a New Europe, 1990:3). و منشور امنیت اروپا در سال ۱۹۹۹ با این ایده که «منشور باید به

^۱. Indivisible security

^۲. The Helsinki Accord

^۳. Charter of Paris for a New Europe

شکل‌گیری یک فضای امنیتی مشترک و غیرقابل تقسیم کمک کند» (Charter for European Security, 1999:2-3) تکرار شد.

با وجود این، این مفهوم در چند سال اخیر به وضوح در دکترین و راهبردهای دفاعی-امنیتی روسیه و چین برجسته شده است. برای نمونه، چند هفته قبل از شروع جنگ اوکراین، روسیه و چین در ۴ فوریه ۲۰۲۲ بیانیه مشترکی را اعلان و در آن بر تقسیم‌ناپذیری امنیت تاکید کردند. به صورت مشخص در این بیانیه عنوان شده بود «روسیه و چین به شدت نگران چالش‌های جدی امنیتی بین‌المللی هستند و معتقدند سرنوشت همه کشورها به هم مرتبط است. هیچ دولتی نمی‌تواند یا نباید امنیت خود را جدا از امنیت سایر نقاط جهان و به بهای امنیت سایر کشورها تضمین کند» (kremlin.ru, 2022). برخی استدلال دارند بیانیه مشترک فوریه ۲۰۲۲، با تاکید بر «امنیت تقسیم‌ناپذیر» تلاشی برای مخالفت با گسترش ناتو بوده روسیه و چین تلاش داشتند «در برابر تلاش‌های نیروهای خارجی برای تضعیف امنیت و ثبات در مناطق مشترک مجاور خود، یعنی اروپا برای روسیه و آسیا برای چین، بایستند (Hoang, 2023:4).

نکته قابل توجه اینکه هر دو کشور تعریف و اهداف تقریباً یکسانی از ایده امنیت تقسیم‌ناپذیر دارند. از نظر روسیه، امنیت غیرقابل تقسیم، به این موضوع اشاره دارد که کشورهای که ممکن است روابط خصمانه یا رقابتی داشته باشند، نباید امنیت خود را به هزینه ناامنی دیگری افزایش دهند، زیرا امنیت در درجه اول با قابلیت نظامی تعریف می‌شود (Lippert, 2023: 142). سرگئی لاوروف در فوریه ۲۰۲۲ در نامه‌ای خطاب به وزای خارجی ایالات متحده، کانادا و چندین کشورهای اروپایی اظهار داشت «ماهیت هر نوع توافقی در مورد امنیت تقسیم‌ناپذیر این است که یا امنیت برای همه است یا برای هیچکس امنیت وجود ندارد. اما ایالات متحده و اعضای ناتو این حق (داشتن امنیت) را به عنوان امتیاز استثنایی عضویت در باشگاه «انحصاری» آتلانتیک شمالی تفسیر می‌کنند» (Mid.ru, 2022).

همچنین ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه در مراسمی که در سال ۲۰۲۴ به افتخار روسای هیئت‌های کشورهای شرکت‌کننده در مراسم هفتادو نهمین سالگرد پیروزی در جنگ بزرگ میهنی (۱۹۴۱-۱۹۴۵) برگزار شد اظهار داشت «روسیه به توسعه مشارکت و دوستی متقابل با همه کسانی که از آزادی و عدالت، رعایت دقیق قوانین بین‌الملل و یک سیستم امنیتی فراگیر، برابر و تقسیم‌ناپذیر حمایت می‌کنند، ادامه خواهد داد» (ria.ru,

2024). از سوی دیگر در ابتکار امنیت جهانی^۱ که در جریان مجمع سالانه بوآو^۲ در ۲۱ آوریل ۲۰۲۲ از سوی شی جین پینگ، رئیس جمهور چین مطرح شد. یکی از محورهای شش‌گانه پیشنهاد شده ابتکار احیای اصل امنیت تقسیم‌ناپذیر بود. در جریان معرفی این ابتکار شی جین پینگ اظهار داشت:

«بشریت یک جامعه امنیتی تقسیم‌ناپذیر است. امنیت یک کشور نباید به هزینه ناامنی سایر کشورها تمام شود. ما معتقدیم همه کشورها از نظر منافع امنیتی برابر هستند. نگرانی‌های امنیتی مشروع و معقول همه کشورها باید جدی گرفته شده و به درستی مورد توجه قرار گیرد، نه اینکه مدام نادیده گرفته شده یا به طور سیستمی به چالش کشیده شود. هر کشوری در حالی که امنیت خود را دنبال می‌کند، باید نگرانی‌های امنیتی منطقی دیگران را نیز در نظر بگیرد. ما از اصل امنیت تقسیم‌ناپذیر دفاع می‌کنیم و بر تقسیم‌ناپذیری بین امنیت فردی و امنیت مشترک، بین امنیت سنتی و امنیت غیرسنتی، بین حقوق امنیتی و تعهدات امنیتی، و بین امنیت و توسعه تاکید می‌کنیم؟» (The Global Security Initiative (Concept Paper, 2023

در جریان گفتگوهای ویدئویی ولادیمیر پوتین با شی جین پینگ، رئیس جمهور چین در ۲۱ ژانویه ۲۰۲۵ نیز بحث امنیت تقسیم‌ناپذیر مطرح و دو طرف بر تضمین آن در اوراسیا و در کل جهان تاکید کردند (en.iz.ru, 2025) البته لازم به توضیح است که هرچند برخی استدلال دارند استفاده چین از ایده امنیت تقسیم‌ناپذیر در چارچوب ابتکار امنیت جهانی در ابتدا به‌عنوان تلاشی برای توجیه حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ بود، اما این کشور در دهه‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ نیز از این اصطلاح در بیانیه‌های مشترک با روسیه از جمله به عنوان بخشی از «مفهوم جامع امنیت ملی» شی جین پینگ، و در بیانیه‌های مشترک صادر شده توسط سازمان همکاری‌های شانگهای نیز استفاده کرده است (Fravel, 2024).

بنابراین، این فرضیه مطرح است که همانند مسکو، برای پکن، داشتن «حوزه نفوذ» سنگ بنای سیاست امنیتی است. این بدان معنی است که کشورهای غربی و به‌ویژه همسایگان پکن و مسکو باید به خواسته‌های آن‌ها در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی احترام بگذارند. از سوی دیگر کشورهای تحت نفوذ آن‌ها باید منافع چین یا روسیه را قبل از روابط خود با کشورهایمانند ایالات متحده، در نظر بگیرند. روسیه و چین امنیت تقسیم‌ناپذیر را به عنوان ابزاری برای پیگیری یک نظم بین‌المللی عادلانه و برابر که در آن امنیت

¹. The Global Security Initiative

². The Boao Forum for Asia (BFA)

همه در اولویت قرار دارد، مطرح و آن را نقطه مقابل روایت هژمونی جهانی ایالات متحده، نظم بین‌المللی غربی می‌دانند (Nagy, 2024).

۵. ساختار نظم امنیتی روسی - چینی

مهم‌ترین انتقادی که بر اساس ایده امنیت تقسیم‌ناپذیر از نهادی، مانند ناتو و اصل امنیت دسته جمعی آن می‌شود این است که در قالب امنیت دسته جمعی «امنیت فقط به کسانی اعطا می‌شود که معیارهای خاصی را داشته باشند. همچنین در چارچوب امنیت دسته جمعی، تعهد به اصول و وفاداری به متحدان عموماً بر رعایت دقیق قوانین بین‌المللی و احترام به منافع کشورهای غیرعضو اولویت دارد. این درحالیست که اگر برخی کشورها در یک منطقه خاص همزیستی دارند و منافع امنیتی مشترکی را دنبال می‌کنند، نیازی به پیش‌شرط برای تدوین یک راهبرد امنیتی یکپارچه ندارند. از سوی دیگر نیازی به ایجاد پلتفرم‌های منطقه‌ای و بین‌المللی فراگیر (مانند ناتو) برای برقراری ارتباط وجود ندارد (Kvartalnov, 2021: 9-10). بر همین اساس، برخلاف برخی استدلال‌ها که نهادهای مانند سازمان همکاری شانگهای را به عنوان بستری برای همکاری‌های امنیتی روسیه و چین در نظر می‌گیرند (با توجه به حضور روسیه و چین، چهار کشور آسیای مرکزی، هند، پاکستان و اخیراً ایران)، این نهاد تنها یکی از بسترهای همکاری می‌باشد و این دو کشور ساختار بزرگ تری را مد نظر دارند.

ایده اصلی روسیه و چین در مورد نظم امنیتی منطقه اوراسیا چیزی شبیه به جامعه امنیتی منطقه‌ای غیرغربی^۱ است. همان‌گونه که عنوان شد جامعه امنیتی به عنوان گروهی از کشورهای منطقه‌ای (به معنای نزدیکی جغرافیایی) است که استفاده از زور، به‌عنوان وسیله‌ای برای حل و فصل درگیری‌های درون منطقه‌ای را کنار می‌گذارند. بنابراین اولین ویژگی جامعه امنیتی منطقه‌ای، فقدان کامل درگیری مسلحانه بین‌دولتی، یا چشم‌انداز چین درگیری در یک منطقه است. ویژگی دوم یک جامعه امنیتی منطقه‌ای عدم وجود یک رقابت نظامی یا مسابقه تسلیحاتی است که بازیگران منطقه‌ای را درگیر کند. ویژگی سوم وجود «نهادهای و شیوه‌های رسمی یا غیر رسمی» در یک جامعه منطقه‌ای است که در خدمت کاهش، پیشگیری، مدیریت و حل و فصل درگیری‌ها و بی‌نظمی‌ها باشد. در نهایت «درجه

¹. Non-western Regional Security Community

بالایی از یکپارچگی سیاسی و اقتصادی به‌عنوان پیش‌شرط ضروری روابط صلح‌آمیز» در یک جامعه امنیتی ضروری است (Acharya, 2008: 177-178).

بنابراین، سازمان همکاری شانگهای همراه با سایر نهادهای منطقه‌ای مانند سازمان پیمان امنیت جمعی^۱، اتحادیه اقتصادی اوراسیا^۲، ابتکار یک کمربند یک راه، پیوند اتحادیه اقتصادی اوراسیا و جفت شدن کمربند اقتصادی- جاده ابریشم^۳ و تشدید همکاری با آسه آن در قالب همکاری سازمان همکاری آسه آن- شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، بخشی از تلاش‌های روسیه و چین برای شکل دادن به جامعه امنیتی منطقه‌ای غیرغربی در اوراسیا است. زیرا این فرضیه در بین مقامات و تحلیل‌گران روسی و چین وجود دارد که اگر این دو کشور بتوانند زمینه‌های هماهنگی و همکاری این نهادهای چندجانبه را بر اساس اصول برابری و در نظر گرفتن منافع متقابل فراهم سازند می‌تواند منجر به غلبه بر اختلافات و درگیری‌ها، اجتناب از رقابت مستقیم و توسعه روابط راهبردی و سازنده بین روسیه و چین و سایر کشورهای اوراسیا شود (Rubo, 2020: 36).

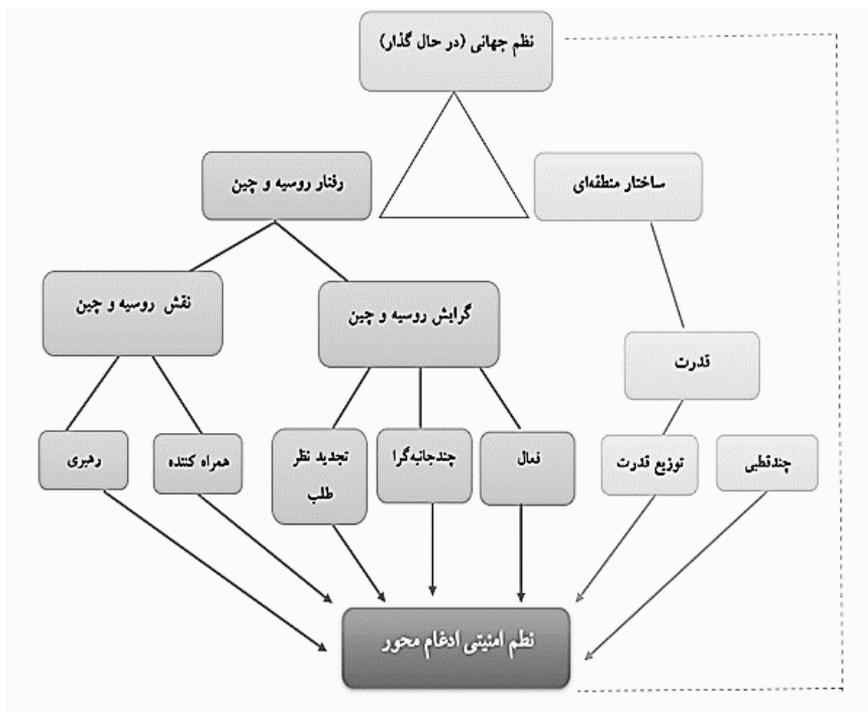
روسیه و چین از طریق ایجاد پیوستگی متقابل بین نهادهای چندجانبه منطقه اوراسیا به دنبال تقویت هرچه بیشتر فرایندهای ادغام در منطقه هستند. هدف اصلی از این ادغام نیز تلاش در جهت تغییر در نظم امنیتی منطقه اوراسیا (هژمون محور) و ایجاد نظم ادغام‌محور است. همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، نظم امنیتی مبتنی بر ادغام با ترویج عمدی انواع مختلف وابستگی متقابل در سراسر سیستم تعریف و از آن به‌عنوان ابزار اصلی برای رسیدگی به مشکلات امنیتی استفاده می‌شود. استدلال بر این است که از طریق ایجاد درجات بیشتری از پیوند در سطوح فراملی، منافع مشترک، هویت‌ها و ارزش‌ها ارتقاء و ثبات افزایش می‌یابد. به این موضوع نیز باید اشاره کرد که نظم مبتنی بر ادغام عمدتاً در مناطقی پدید می‌آید که در آن قدرتمندترین دولت‌ها درگیر رهبری گسترده و موثر بوده و تلاش می‌کنند اعضای منطقه را به‌عنوان شریک با خود همراه سازند. از سوی دیگر، این نظم هرچند در ابتدا با اجماع کشورهای یک منطقه شکل می‌گیرد اما به باز بودن نسبت به بازیگران خارجی و تعاملات اقتصادی با آن‌ها گرایش دارد (Ingersoll and Frazier, 2011: 150). شکل زیر نحوه شکل‌گیری نظم امنیتی منطقه‌ای ادغام‌محور در منطقه اوراسیا را نشان می‌دهد.

¹. Collective Security Treaty Organization

². Eurasian Economic Union

³. The EAEU-Silk Road Economic Belt (SREB)

شکل ۳: نظم امنیتی منطقه‌ای ادغام محور در منطقه اوراسیا



منبع: یافته‌های پژوهشگران

این نظم امنیتی ادغام محور نیز واجد برخی ویژگی‌های اساسی است که در قالب نمودار زیر به آن‌ها اشاره شده است.

نمودار ۱. ویژگی‌های نظم امنیتی ادغام گرا در منطقه اوراسیا



منبع: یافته‌های پژوهشگران

نتیجه‌گیری

مفروض اصلی این پژوهش حاکی از این است که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (دوران جنگ سرد) همانند بسیاری از مناطق جهان، نظم دوقطبی بر منطقه اوراسیا حاکم بود. ویژگی اصلی این نظم دوقطبی اتحادهای شکل گرفته پیرامون دو نهاد منطقه‌ای یعنی پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و پیمان ورشو، بود. با این حال، پس از پایان جنگ سرد ایالات متحده با محوریت ناتو تلاش داشت نظم یورآتلانتیکی (آمریکا+اروپا) را در منطقه اوراسیا گسترش دهد. هدف اصلی مطابق با دکترین‌های امنیتی حفظ هژمونی ایالات متحده و جلوگیری از ظهور رقیب بالقوه از منطقه اوراسیا یا با استفاده از ظرفیت‌های این منطقه (منابع طبیعی، موقعیت ترانزیتی، بازار گسترده و...) بود. این راهبرد تا حدی موفق بود به گونه‌ای که باعث گسترش وسعت سرزمینی و تعداد اعضای پیمان آتلانتیک شمالی در فضای پس از شوروی شد. اما در عین حال زمینه‌های شکل‌گیری نظم ضد هژمون را نیز فراهم نمود.

به‌گونه‌ای که از دهه ۹۰ روسیه و چین از طریق گسترش همکاری‌های امنیتی، حل اختلافات مرزی، ایجاد سازمان‌های امنیتی منطقه‌ای (مانند سازمان همکاری شانگهای) تلاش کردند نوعی ساختار ضد هژمون در منطقه اوراسیا ایجاد کنند. این روند هرچند به صورت نامتوازن تا بحران اوکراین (۲۰۱۴) ادامه داشت اما از این تاریخ به بعد روند منسجمی به خود گرفته و به نظر می‌رسد روسیه و چین از طریق راه‌اندازی ابتکارات مختلف به دنبال بازطراحی در معماری امنیتی منطقه‌ای اوراسیا هستند. یافته‌های پژوهش نیز تا حد بسیار زیادی این فرضیه را تایید می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان داد روسیه و چین از ایجاد و پیوند زدن ابتکارات و نهادهای مختلف منطقه‌ای در تلاش برای ایجاد نظم امنیتی منطقه‌ای ادغام محور هستند. ویژگی اصلی این نظم جدید منطبق بودن آن با شرایط و ویژگی‌های منطقه از جمله پذیرش تنوع بازیگران، در نظر گرفتن برابری و حاکمیت ملی کشورهای اوراسیایی، در نظر داشتن اصل تقسیم ناپذیری امنیت، پذیرش تنوع فرهنگی و تمدنی و غیره است. به بیان بهتر این نظم امنیتی ادغام محور تا حد بسیار زیادی غیرغربی و در اصل ضد هژمون است.

- Acharya, A., Estevadeordal, A., & Goodman, L. W. (2023). "Multipolar or Multiplex? Interaction Capacity, global Cooperation and World Order", **International Affairs**, Vol.99, No.(6), pp.2339-2365. (<https://doi.org/10.1093/ia/iiad242>)
- Acharya, A. (1995), "A regional security community in Southeast Asia?", **The Journal of Strategic Studies**, Vol. 18, No. (3), pp.175-200. (<https://doi.org/10.1080/01402399508437610>).
- Ambrosio, T. (2008), "Catching the 'Shanghai Spirit': How the Shanghai Cooperation Organization Promotes Authoritarian Norms in Central Asia", **Europe-Asia Studies**, Vol. 60, No.(8), pp.1321-1344. (doi: 10.1080/09668130802292143).
- Bishkek Declaration of the Shanghai Cooperation Organisation's Heads of State Council, (2019), Available at: <https://worldjpn.net/documents/texts/SCO/20190614.D1E.html>, (Access on 08/08/2024).
- Borsani, D. (2023), "**Eurasian Monolith? The United States, NATO and the Sino-Russian Strategic Relationship**". In Bringing Eurasia back in?", in *The Resilience of the Western-centric Alliance System Between History and Politics* (pp. 33-52). Peter Lang AG.
- Bisley, N. (2019), "Asia's Regional Security Order: Rules, Power and Status", **Australian Journal of Politics & History**, Vol. 65, No.(3), pp.361-376. (<https://doi.org/10.1111/ajph.12587>)
- Buzan, B., & Waever, O. (2003), "**Regions and powers: The structure of international security**", (Vol. 91). Cambridge University Press.
- Charter for European Security**, (1999), Available at: <https://www.osce.org/files/f/documents/4/2/17502.pdf>, (Accesses on: 29/07/2024).
- Charter of Paris for a New Europe**, (1990), Available at: <https://www.osce.org/files/f/documents/0/6/39516.pdf>, (Accesses on: 29/07/2024).
- China and Russia: a new Eurasian Security Architecture on the Anvil? (2024), "**International Affairs Review**", Available at: <https://internationalaffairsreview.com/2024/04/09/china-and-russia-a-new-eurasian-security-architecture-on-the-anvil/>, (Access on 08/08/2024).
- China comprehensive national security concept, (2014), Available at: <https://www.12371.cn/special/xxzd/hxnr/aqg/>, (access on :17/06/2024).
- Cooley, A. (2019), "**Tending the Eurasian Garden: Russia, China and the dynamics of regional integration and order**", *Sino-Russian relations in the 21st century*, 113-139. Palgrave Macmillan Cham .
- Deutsch, K, Sidney A. B, Robert A. K, Maurice, L, Martin, L, Raymond E. Li, Francis L. L, Richard W. V. Wagenen, (1957), "**Political Community and the North American Area**", Princeton NJ: Princeton University Press.
- Dunford, M. (2023), " Causes of the Crisis in Ukraine", **International Critical Thought**, Vol.13, No.(1), pp. 89-125. (<https://doi.org/10.1080/21598282.2022.2163417>)

- Dinstein, Y. (2001), "**Collective security, in War, Aggression and Self-Defence**", (246 – 282), Cambridge University Press.
- Engelbrekt, K. (2024), "**The European Security Order. In The Borders of the European Union in a Conflictual World**", *Interdisciplinary European Studies* (pp. 205-231). Cham: Springer Nature Switzerland.
- Farkhutdinov, I. (2020), "**The Mysterious and Obvious in American Diplomacy: From Monroe to Trump**", Cambridge Scholars Publishing.
- Fornusek, M. (2024), "Russia, China agree to deepen cooperation in Eurasia to counter US influence", Available at: <https://kyivindependent.com/lavrov-russia-china-agree-to-deepen-cooperation-in-eurasia-to-counter-us-influence/>, (access on :10/06/2024).
- Fouskas, V., & Gokay, B. (2005), "**The new American imperialism: Bush's war on terror and blood for oil**". Bloomsbury Publishing USA.
- Frael, T. (2024), "**China's Global Security Initiative at Two: A Journey, Not a Destination**", Available at: <https://www.prclleader.org/post/china-s-global-security-initiative-at-two-a-journey-not-a-destination>, (Accesses on: 30/07/2024).
- Gabuev, A. (2019), "**Unwanted but inevitable: Russia's deepening partnership with China post-Ukraine**", *Sino-Russian relations in the 21st century*, 41-66. Palgrave Macmillan Cham
- Gilpin, Robert (1981), "**War and Change in World Politics**", Cambridge University Press.
- Gordon, S. (2012): "The Quest for a Concert of Powers in Asia", **Security Challenges** 8(1) 35-55.
- Hoang, T. H. (2023), "Why is China's Global Security Initiative Cautiously Perceived in Southeast Asia", **ISEAS-Yusof Ishak Institute**, Perspective, No.11. pp. 1-12.
- Hopmann, P. T. (1999), "Building Security in Post-Cold War Eurasia: The OSCE and US Foreign Policy, peace works, (Vol. 31, No. 31). **United States Institute of Peace**.
- Honrada, G. J. P., & Bokeriya, S. A. (2023) "The Shanghai spirit and the ASEAN way as the foundations of a new regionalism", **Vestnik RUDN. International Relations**, Vol. 23, No.(2), pp. 253-264.(<https://doi.org/10.22363/2313-0660-2023-23-2-253-264>)
- Izvestia news agency**, (2025), "Putin pointed to Russia and China's work for security in the world", available at: <https://en.iz.ru/en/1825756/2025-01-21/putin-pointed-out-russian-federation-and-china-are-working-ensure-security-world>, (Access on 31/01/2025).
- Jervis, R. (1985), "From balance to concert: a study of international security cooperation", **World politics**, Vol. 38, No.(1), pp.58-79. (<https://doi.org/10.2307/2010351>)
- Joint Statement of the Russian Federation and the People's Republic of China on the International Relations Entering a New Era and the Global Sustainable Development, (2022), Available at: <http://www.en.kremlin.ru/supplement/5770>, (Access on 08/08/2024).
- Joint Statement of the Russian Federation and the People's Republic of China on the International Relations Entering a New Era and the Global Sustainable Development, (2022), Available at: <http://en.kremlin.ru/supplement/5770>, (Accesses on: 29/07/2024).

- Kelsen, H. (1948), "Collective security and collective self-defense under the Charter of the United Nations", **American Journal of International Law**, Vol. 42, No.(4), pp. 783-796. (<https://doi.org/10.2307/2193350>)
- Kemp, T. (2022), "Two maps show NATO's growth — and Russia's isolation — since 1990", Available at: <https://www.cnbc.com/2022/05/19/two-maps-show-natos-growth-and-russias-growing-isolation-since-1990.html>, (access on :08/06/2024).
- Keohane, Robert (1984), "**After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy**", New Jersey, Princeton University Press.
- Koschut, S. (2014), "Regional order and peaceful change: Security communities as a via media in international relations theory", **Cooperation and Conflict**, Vol.49, No.(4), pp.519-535. (<https://doi.org/10.1177/0010836713517570>)
- Krasner, S. D. (1982), "Structural causes and regime consequences: regimes as intervening variables", **International Organization**, Vol.36, No.(2), pp. 185-205.
- Kuchins, A. C. (2018), "What is Eurasia to US (the US)?" , **Journal of Eurasian studies**, Vol.9, No.(2), pp. 125-133. (<https://doi.org/10.1017/S0020818300018920>)
- Kukkola, J., & Puranen, M. (2022), "The Eurasian security system: a preliminary framework for understanding the emerging Sino-Russian relationship", **Journal of Military Studies**, Vol. 11, No.(1), pp. 63-76. (<https://doi.org/10.2478/jms-2022-0006>)
- Kvartalnov, A. (2021), "Indivisible Security and Collective Security Concepts: Implications for Russia's Relations with the West", **Central European Journal of International & Security Studies**, Vol.15, No.(3), pp.4-29. (doi: 10.51870/C EJISS.A150301).
- Karpavičiūtė, I. (2021), "**Regional Security Orders and International Transformations: The Transatlantic Adaptation and Change in World Order Transition and the Atlantic Area: Theoretical Perspectives and Empirical Analysis**", (pp.157-181.), Springer Cham.
- Li, Y. (2018), "The greater Eurasian partnership and the Belt and Road Initiative: Can the two be linked?", **Journal of Eurasian Studies**, Vol. 9, No.(2), pp. 94-99. (<https://doi.org/10.1016/j.euras.2018.07.004>)
- Lascurettes, K. (2017), "The concert of Europe and great-power governance today", **RAND Perspective**, No. 226, pp. 1-33
- Lippert, W. E. (2024), "How conventional arms control failures caused the Russo-Ukraine War", **Defense & Security Analysis**, Vol.40, No.(1), pp. 138-160. (<https://doi.org/10.1080/14751798.2024.2300889>)
- Lupas, A. F. (2014), "Shanghai Cooperation Organization & NATO: Regional Polarity and Global Governance", **Politikon: The IAPSS Journal of Political Science**, Vol. 23, pp.119-132. (<https://doi.org/10.22151/politikon.23.6>)
- Logvinov, K. (2024), "New Security Architecture for the Eurasian Continent", Available at: <https://russiaeu.ru/en/news/address-charge-daffaires-ai-russian-mission-eu-kirill-logvinov-briefing-new-security>, (access on :18/06/2024).
- Nagy, S. (2024), "Russia and China want security for themselves and no one else", Available at: <https://www.japantimes.co.jp/commentary/2024/07/12/world/russia-china-indivisible-security-influence-spheres/>, (Accesses on: 30/07/2024).
- NATO Strategic Concept, (2022), Available at:

- https://www.nato.int/nato_static_fl2014/assets/pdf/2022/6/pdf/290622-strategic-concept.pdf, (access on :10/06/2024).
- Novikov, D. & Bocharova, A.(2024),"Eurasia in Russian and Chinese political expertise: A comparative analysis", **Journal of Eurasian Studies**, Vol. 15, No.(1), pp.55-69.(<https://doi.org/10.1177/18793665231163888>)
- Panagopoulou, G. (2023), "**Eurasia and the Pacific as the “Golden Apple of Discord” between the US and China: The cases of Afghanistan, Ukraine, the Quad and the AUKUS**", In *China and Eurasian Powers in a Multipolar World Order 2.0* (pp. 26-34). Routledge.
- Plenary session of the St. Petersburg International Economic Forum(2016), Available at: <http://special.kremlin.ru/events/president/news/52178> , (Access on 08/08/2024).
- Roberts, P. C. (2015)," **The Neoconserative Threat to World Order: America's Perilous War for Hegemony**",. SCB Distributors.
- Rolland, N. (2019),"A China–Russia Condominium over Eurasia", **Survival**, Vol.61, No.(1),pp. 7-22. (<https://doi.org/10.1080/00396338.2019.1568043>)
- Rubo, S. (2020)," **Russian–Chinese cooperation in greaterin greater Eurasian partnership, in the Eurasian network of initiatives and organization**",, (34-36), the Friedrich Ebert Foundation
- Sabanadze, N. Vasselier,A. Wiegand, G. (2024),"China-Russia alignment: a threat to Europe's security, **Mercator Institute for China Studies**", MERICS Report, No.2, pp.1-22, Available at: <https://merics.org/en/report/china-russia-alignment-threat-europes-security>, , (Access on 08/08/2024).
- Sakwa, R. (2020)," **Stasis and change: Russia and the emergence of an anti-hegemonic world order**",in *Russia in the changing international system*, 17-37. Palgrave Macmillan,
- Savin, L. (2017),"Counter-Hegemony as a grand strategy for Eurasia", Aveliable at: https://www.geopolitika.ru/en/article/counter-hegemony-grand-strategy-eurasia?utm_referrer=https%3a%2f%2fwww.google.com%2f, (access on :10/06/2024).
- Shifrinson, J. R. I. (2021),"**Eastbound and down: The United States, NATO enlargement, and suppressing the Soviet and Western European alternatives, 1990–1992**", In *NATO in the Cold War and After* (pp. 54-84). Routledge.
- Snyder, G. H. (1990),"Alliance theory: A neorealist first cut",**Journal of International Affairs**,Vol. 44, No.(1),pp. 103-123.
- Sperling, J. (2003),"**Eurasian security governance: new threats, institutional adaptations**",in *Limiting institutions*, (3-26). Manchester University Press
- Stewart-Ingersoll, R., & Frazier, D. (2012),"**Regional powers and security orders: a theoretical framework**", Routledge.
- Sutter, M.K. Sutherland, D. M. (2024),"China’s Economic and Trade Ties with Russia", the **Congressional Research Service (CRS)**, Aveliable at: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF12120>, (access on :10/06/2024).
- Sahakyan, M. (2023),"**Introduction: China, Eurasia, and the Multipolar World Order 2.0**",In *China and Eurasian Powers in a Multipolar World Order 2.0* (pp. 1-8). Routledge.
- Text of the Minister of Foreign Affairs of Russia Mr. Sergey Lavrov`s written message on Indivisibility of Security addressed to the Heads of Foreign / External Affairs Ministers / Secretaries of the US, Canada and several European**

- countries, (2022), Available at: <https://mid.ru/print/?id=1796679&lang=en>, (Accesses on: 29/07/2024).
- The concept of foreign policy of the Russian Federation**, (2023), Available at: <https://www.mid.ru/ru/detail-material-page/1860586/> (access on :17/06/2024).
- The Global Security Initiative Concept Paper**, (2023), Available at: https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjbxw/202302/t20230221_11028348.html, (Accesses on: 30/07/2024).
- The Helsinki Accord**, (1975), Available at: <https://www.osce.org/files/f/documents/5/c/39501.pdf>, (Accesses on: 29/07/2024).
- Timofeev, I. (2024), "Eurasian Security Structure: From Idea to Practice", **The Valdai Discussion Club**, Available at: <https://valdaiclub.com/a/highlights/eurasian-security-structure-from-idea-to-practice/>, (Access on 08/08/2024).
- Timofeev, I. (2025), "Eurasian Security Architecture: Five Questions and Five Answers", **The Valdai Discussion Club**, Available at: <https://valdaiclub.com/a/highlights/eurasian-security-architecture-five-questions/>, (Access on 31/01/2025).
- Trenin, D. (2014), "**The Ukraine crisis and the resumption of great-power rivalry**", Carnegie Moscow Center, pp. (pp. 1-38).
- Walt, S. M. (1987). "**The origins of alliance**", Cornell University Press.
- Wishnick, E. (2001), "Russia and China", **Asian Survey**, Vol. 41, No.(5), pp.797-821.
- Wohlforth, W. C., Little, R., Kaufman, S. J., Kang, D., Jones, C. A., Tin-Bor Hui, V., ... & Brenner, W. L. (2007), "Testing balance-of-power theory in world history", **European Journal of International Relations**, Vol. 13, No.(2), pp.155-185. (doi: 10.1177/1354066107076951)
- Xi and Putin set out ambitions for Eurasian security club, (2024), Available at: <https://www.reuters.com/world/xi-putin-set-out-ambitions-eurasian-security-club-2024-07-04/>, (Access on 10/08/2024).
- Лузянин, С.Г., Картунов, А.В., Хуашэн. Ч, Синьбо. У(2017), **РОССИЙСКО-КИТАЙСКИЙ ДИАЛОГ: МОДЕЛЬ**, **Российский совет по международным делам: РСМД**, No.22, pp.1-12.